



محمد قاسم پور

پشیمان شده‌ها و از نفس افتاده‌ها را رها کنید

نگاهی به سخنان و مواضع انقلابی امام انقلاب

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ، يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ
 بلکه انسان می‌خواهد مادام العمر در معصیت به سر برد، (که دائم با شک
 و انکار) می‌پرسد کی روز قیامت (و حساب) خواهد بود؟
 این فسق و فجور و حس لذت‌خواهی او است که باعث انکار بسیاری از
 حقایق، و شک و شبیهه در قیامت می‌شود. دنیا طلبی که برخی انقلابیون
 را از پای درآورده است، تا جایی که از انقلاب اظهار خستگی کرده و
 چشمانشان را می‌بندند، تنها به سبب سنگین شدن و چسبیدن آنان به
 دنیا است. نگاهی به رفتارها و گفتارها و دنیاگرایی و تجمل‌گرایی برخی
 انقلابی‌های دیروز و پشیمان شده‌های امروز نشان می‌دهد که امیدی به
 بازگشتشان به صف مبارزان نیست و آن‌ها شامل وضع کسانی می‌شوند
 که خداوند در آیه ۷۰ سوره انعام، وظیفه پیامبر ﷺ را تنها یادآوری می‌داند
 و رها کردن آنان:
 وَ ذُرِّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا وَ عَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ ذَكَرُوا بِهِ
 و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را به بازی و سرگرمی گرفتند،
 و زندگی دنیا، آن‌ها را مغرور ساخته، و با این (قرآن)، به آن‌ها یادآوری نما.
 شاخص‌هایی که رهبر معظم انقلاب درباره انقلابی‌گری برمی‌شمرند
 - همچون پای‌بندی به ارزش‌ها، هدف‌گیری آرمان‌ها و همت بلند،
 پایبندی به استقلال کشور، حساسیت در برابر دشمن و عدم تبعیت از
 آن - در آنان دیده نمی‌شود؛ اما در مقابل، رویشی در نسل جوان این
 سرزمین و سرزمین‌های دیگر اسلامی دیده می‌شود که قابل مقایسه
 با این ریزش‌ها نیست؛ پس بایستی فقط روزهای انقلابی بودن این
 جماعت را یادآوری کرد و تمام توان خود را صرف «رویش»‌ها کرد.

ریزش‌ها و رویش‌ها منحصر در انقلاب اسلامی نیستند؛ از این روست
 که رهبر معظم انقلاب هم انقلاب اسلامی ایران را از آن استثنا نکردند.
 اشاره رهبر انقلاب در آستانه سیزده آبان به گروه پشیمان شده‌ها و از
 نفس افتاده‌های انقلاب و بیان یکی از ویژگی‌های آنان یعنی دنیا زدگی
 و دنیاگرایی مساله‌ای است که قرآن کریم به آن اشاره کرده و همراهی
 نکردن برخی افراد با مجاهدان فی سبیل الله و گریز از صحنه جهاد و
 شهادت را چسبیدن آنان به دنیا و برگزیدن دنیا به جای آخرت می‌خواند.
 در آیه ۳۸ سوره توبه می‌فرماید:
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَقَلْتُمْ إِلَى
 الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ
 إِلَّا قَلِيلٌ
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما را چه شده که وقتی به شما گویند در
 راه خدا بیرون شوید و کوچ کنید به زمین سنگینی می‌کنید، مگر از آخرت
 به زندگی دنیا راضی شده‌اید (اگر چنین است بدانید که) بهره گرفتن از
 دنیا در قبال آخرت جز اندکی نیست.)
 آیه شریفه نمی‌گوید که چرا دشمن را نمی‌بینید؟ بلکه می‌فرماید چرا دنیا
 را به جای آخرت برگزیده‌اید؟! چرا به دنیا دل بسته‌اید؟! در حقیقت، قرآن
 کریم علت اصلی از نفس افتادگی و اظهار پشیمانی را بیان و مؤمنان را
 از مرضی آگاه می‌کند که این افراد گرفتار آن شده‌اند؛ مرضی که دنیا را
 بزرگ‌تر از آخرت جلوه می‌دهد و به بودن در آن رضایت داده‌اند.
 در سوره قیامت نیز دلیل آخرت‌گریزی این جماعت، علاقه شدید و
 مادام‌العمری آنان به لذت‌جویی دانسته شده است؛





دغدغه‌های مردی انقلابی که تنگه‌آحد فرهنگی را ترک نکرد

پویا: اگر روزی حاج حسن نبود

حاج حسن: خدا هست، این حرف امام چینه است

گفت‌وگوی پویا با حاج حسن شایانفر

بامداد شنبه ۲۹ آبان ۹۵ برای سرداران فرهنگی و افسران جوان جنگ نرم و نیروهای حزب‌اللهی و بسیجی، روزی تلخ و سنگین اما برای حاج حسن، روز سربلندی و سرافرازی بود؛ روزی بود که او بار امانتی را که بر دوش داشت، به نسل پس از خود سپرد و نام خویش را در دفتر ماندگاران در تنگه‌آحد فرهنگی انقلاب اسلامی ثبت کرد. تاریخ شهادت می‌دهد هیچ عاملی نتوانست حاج حسن را به ترک سنگر‌آحد فرهنگی انقلاب اسلامی وادارد؛ نه فشار اقتصادی، نه تهمت‌های سیاسی، نه تهدیدهای جانی، نه محدودیت‌های فرهنگی و نه حتی زرق و برق غنائیم بر زمین افتاده که بسیاری را به سازش و تسلیم واداشت. حاج حسن درست به طلایی می‌ماند که هرچه بیش‌تر در کوره حوادث می‌رفت، درخشان‌تر بیرون می‌آمد. او برای اهل قلم انقلابی به‌ویژه نویسندگان جوانی که تازه به صف مبارزان تنگه‌آحد انقلاب پیوسته بودند، اسطوره و الگویی بود که فاصله خود را با شجاعت در نگارش و تعهد او در برابر انقلاب می‌سنجیدند. آن‌چه از نظر می‌گذرد، بخش‌هایی از گفت‌وگوی ما با حاج حسن است؛ هر چند همین گفت‌وگو هم برای خیلی‌ها قابل تحمل نیست، به‌ویژه آنانی که او را به سبب روحیه انقلابی‌اش تحمل‌ناپذیر می‌دانستند؛ گفت‌وگویی که بخشی از آن با خوردن ناهاری ساده در دفتر کیهان همراه بود. در این گفت‌وگو ما (حجت‌الاسلام‌المسلمین اشکوری، حجت‌الاسلام‌المسلمین دهشیری و جناب آقای ابراهیم‌زاده از فصلنامه «فرهنگ پویا») مهمان برادرانمان در کیهان (حاج حسن شایانفر، حاج آقای محمدزاده و حاج آقای شمس) بودیم و هرگز باور نمی‌کردیم پس از این مصاحبه دیگر حاج حسن را نبینیم.



مدنی آمد و گفت: در خدمتان هستم، برای این قضیه که امام گفته، هر چه شما بگویید ما وظیفه می‌دانیم.

در اسناد ساواک آخرین سندش را بخوانید، رئیس شهرداری همدان می‌گوید شهر دست ایشان است، می‌تواند همه ما را یک‌شبه جمع کند، ما باید برویم از ایشان مشورت بگیریم. وقتی که می‌خواهد بلند شود برود آذربایجان سر آن ماجرای غائله بعد از شریعتمداری چطور خودش را عرضه می‌کند؟ اصلاً حرف می‌زد گریه می‌انداخت، حرف می‌زد آدم می‌ساخت... الان یکی از آفات، همین پروژه‌هاست؛ از ارشاد از حوزه از هر جایی پول می‌گیرند و هر کسی کارهای تکراری می‌کند... می‌بینی کسی مثل هاله اسفندیاری دستگیر می‌شود، بعد از یک‌مدت بازجویی دنیا برای آزادی او به ایران فشار می‌آورد، بعد هم آقای... می‌آید می‌گوید یک پسرزن را گرفتند! بابا حالا تو می‌خواهی آزاد کنی بکن ولی دیگر این طوری نگو! من معتقدم در مطالعه، طلبه‌ها را در کار مُعین ببیند. الان این آقای جواد سلیمانی دارد کار می‌کند، ما یک پاورقی ایشان را از فردا پس‌فردا شروع می‌کنیم، دارد ریزش‌ها در صدر اسلام را بررسی می‌کند. هر موقع می‌گویی ریزش، می‌گوید طلحه زبیر بعدی چه کسی فلانی چی هیچی رفته کار کرده، منابع همه موجود است و دارد بیرون می‌آید. آن «عدالت در گرداب» برای یک طلبه ۲۵ ساله است، این را باید مطرح کرد و ساخت؛ نه دنبال پول است نه دنبال آگهی و نه دنبال مطرح‌شدن. امثال این‌ها را بشناسانید، از این روزمرگی‌ها در بیابند، شما نگاهی به فارغ التحصیلان همان تشکیلات ببیند، یکی یکی دارند از دست می‌روند!

فرهنگ پویا نکته‌ای که آقای محمدزاده گفت حالا این جا گفتنی نیست ولی متأسفانه این آفت‌ها همه جا هست، در بعضی مباحث هست حالا در مجموعه ما زیاد داریم؛ امثال آقای سلیمانی، آقای ابوطالبی و...

حاج آقا شایانفر: قطعاً هست من مطمئن هستم هست. الان این آقای محمدجواد نوروزی گفتیم بیاید با آقای اصلانی، دوبار این‌جا آمد، امثال این‌ها را گفتیم یک لیست به ما بدهید در هر بحثی که حرف برای گفتن داشته باشد برویم این‌ها را مطرح کنیم.

فرهنگ پویا آن‌ها شخصیت‌سازی می‌کنند ولی در بین نیروهای ارزشی و ولایی یک کسی موز را می‌خورد پوست آن را جلوی پای آن‌هایی می‌اندازند که قرار است رویش کنند. اگر بشود یک جلسه بیابند پیش آقای اصلانی؛ شاید با همین نگاهی که می‌گویید هفته‌ای یک‌روز بگذاریم بیابیم این‌جا شروع کنیم، ارتباط این مجموعه با مجموعه‌هایی که در قم هستند مانند آقای سلیمانی و آقای نوروزی و دیگرانی که نظریه‌پرداز و توانمند هستند را برقرار کنیم.

به هر حال تشکیلات آقای مصباح پنجاه تا از این‌ها دارد، این پنجاه تا را وصل کنید به روزنامه، فصل‌نامه پویا دو سه هزار تا فروش ندارد، بیاید کیهان فرهنگی را تحویل بگیرید و مدیریت کنید؛ پشتیبانی، پخش و توزیع و محتوا.

فرهنگ پویا می‌شود کیهان در توزیع پویا به ما کمک کند. ما یک شماره را برای توزیع دادیم، بابت توزیع خیلی خسارت دادیم؛ بعد هم مجله ما را خراب کردند و برای ما پس فرستادند! من می‌گویم کار دولتی این‌طور است، بیاید یک هسته قم بزیند، گفت‌وگوهای خوب بدهید برای صفحه معارف ما.

فرهنگ پویا سال گذشته یک عده از طلبه‌های جوان را جمع

فرهنگ پویا از بیانات استاد محمدزاده بهره‌مند شدیم اما توفیق نداشتیم از وجود شما استفاده کنیم. می‌خواستیم یک جریان‌شناسی خط‌نمود از دولت بازرگان تا کنون را از محضر حضرت‌تعالی استفاده کنیم. واقعاً برای ورود به این مقوله چه باید کرد؟ گره کار کجاست که نمی‌شود یک جریان را درست واکاوی کرد؟

اعتقاد من این است اگر یک چیزی را بگیرند به مسؤولین قوه قضائیه به مرکز اسناد می‌گویم بابا یک چیزی بدهید، نیابیم این چیزها را که یک‌نفر دو نفر سه نفر کار کردند همه تکرار کنید، این تنوع امکانات در دست محققانی که سابقه و فعالیت آن‌ها مشخص است بر این اساس باید باشد. به من گفتند یک ده پانزده روز دهه فجر بیا داستان انقلاب، رادیو مثل اربعین بود، یک شبکه رادیویی زده بودند، گفتیم من بیابم چه بگویم؟ سندها و جریانات دست شماست! من می‌آیم برای شما اسناد آشکار و منتشر شده حرف بزنم این که دارم در روزنامه می‌زنم، بعد هم بچه‌هایی که الان دست به کار هستند در این زمینه صاحب‌نظر هستند، دو سه نفر ما این‌جا داریم همین طوری دارند کارها را می‌کنند. امام علیه‌السلام بعد از شهادت حاج آقا مصطفی در اولین سخنرانی اشاره به این موضوع داشتند؛ به روحانی گفت نکو دانشجو نمی‌خواهیم، فردا مقدرات مملکت دست این‌هاست، از آن طرف به دانشجو گفت نکو روحانیت نمی‌خواهیم، روحانیت کسی است که مردم دنبال او راه می‌افتند، مردم این‌ها را قبول دارند. بعد در نهایت گفت، اگر روحانی حالیش نیست با او درگیر نشوید. این روش‌شناسی امام علیه‌السلام بود. شاید بخشی از این عدم تحمل‌ها که امام و رهبری خون جگر می‌خورند، برای همین است. آقایان تحمل ندارند کسی مثل آیت‌الله خامنه‌ای بیاید با این ابعاد علمی-فقهی کشور را مدیریت کند.

فرهنگ پویا بلکه حضرت آقا دارند جهان را مدیریت می‌کنند.

[رهبری] از چه جاهایی و از چه عقبه‌هایی ما را گذرانده، بعد می‌گوید اگر یک روحانی حالیش نیست بروید او را حالی کنید، اگر این ضعف کاری این‌جاست درد و سوز و تشخیص درست است، حالا خودش خودداری کرده و خیلی جاها نگفته، می‌گوید اگر این روحانی حالیش نیست بروید حالیش کنید؛ اگر حالیش نشد او را رها کنید، بروید پشت سر آن کسی که او را قبول دارید. وقتی خودبه‌خود او را تحویل گرفتید، انگار شما آن چیزی که رژیم می‌خواست دنبال می‌کنید. رژیم در ماجرای شهید جاوید در حوزه جبهه‌بندی ایجاد کرد، شما اسناد ساواک در این جبهه‌بندی را ببینید، در ماجرای شریعتی و همین‌طور در شمس‌آبادی دنبال این بود که دوقطبی درست کند. حالا می‌آیند با یکی از بزرگان جامعه مدرسین مصاحبه می‌کنند... شما جریان نفوذ فرهنگی اقتصادی سیاسی را در اسناد لانه جاسوسی ببینید، رابطه خوب آمریکا را ببینید، اصلاً منبع منتشر شده سندهای آمریکاست، چقدر از این‌ها استفاده شده؟ هیچی! پای منبر که می‌روی همیشه بحث‌های تکراری است. به این‌ها نیاز دارد. این که می‌گفتیم، در دوره تحصن چرا آقای مشکینی بلند شد آمد آن‌جا نشست؟ پاکی و سلامت و صداقت آقای مشکینی را ببینید. آقای میانجی آمد؛ شما شخصیتی مثل آقای مدنی را در تاریخ چقدر معرفی کردید؟ شما اسناد ساواک را که می‌خوانی و رفتارش را می‌بینی، خاطرات او را می‌بینی، آقای حسنی خاطره‌ای نقل می‌کند که برای مرزها و غائله آذربایجان خدمت امام رفتیم، بعد امام فرمودند مسؤول این منطقه مرزی آقای حسنی ارومیه، همه کمک کنید تا از این فتنه عبور کنید. بعد از جلسه آقای



هفته‌ای یا دو هفته‌ای یک‌روز این‌جا بیایند. بعضی فرزند نیستند، روزنامه‌نگار نیستند، بعد از سه بار نشستن انرژی ما را خالی می‌کنند.

فرهنگ پویا بلکه بعضی تند و تیز نیستند. ولی مثل آقای باقرزاده هست. همین که یک رابطه باشد کار بشود ما می‌گوییم سوژه شما چیست، متناسب با سوژه‌ای که شما عنوان می‌کنید کلی آدم در آن‌جا هست.

ما مشکل کمبود پول داریم، همه‌جا پول دارند تولید نمی‌کنند؛ حالا البته همه‌جا اغراق است. **فرهنگ پویا** این پول مشکل همه‌گیر است.

حالا کم شده ولی دو سه سال پیش کجا بود؟ این ... مثال می‌زنم این آقای ... که الان بحث پول پنج میلیاردی او آمده، من دیوان محاسبات سندش را دارم اسم ... با امضای ... رفته گرفته.

فرهنگ پویا ماهنامه امتداد برای جبهه و جنگ هم به خاطر نداشتن پول تعطیل شد. ما هم اگر پول داشته باشیم می‌توانیم هفتگی بیاوریم؛ پول نداریم، نویسنده وقتی می‌بیند پول نداریم نمی‌نویسد.

شما این صفحه معارف را پول ندهید، اصلاً اندیشه را تولید کنید بدهید ما بزنیم، بحث‌های علوم انسانی را، پول هم ندهید، ما پول آن کسی را که مصاحبه کرده هم هدیه به او می‌دهیم. کجای کاری بیا سازمان معارف ما را تحویل بگیر، یک نفر نماینده بیاید خودت آن‌جا بنشین بگیر، چهره‌سازی‌ها و حرکت‌ها سه‌ساعت در هفته به اندازه یک ماهنامه ارزش ندارد، من آخر حرف، شما را بدهکار می‌کنم؛ یعنی حرف این است، واقعا بحث علوم انسانی جای خالی است.

فرهنگ پویا در حوزه هست، کافی است مصاحبه بشود؟

در قم شما شخصیت را پیدا کن، هماهنگ کنیم مصاحبه بگیرد.

فرهنگ پویا آقای محقق که مسؤول خود خبرگزاری رسناست، کارش خبر و مصاحبه است.

او برای رسنا دارد کار می‌کند.

فرهنگ پویا می‌توانیم صحبت کنیم ببینیم می‌توانند این کار را بکنند.

بیایند من می‌گویم، ما الان می‌توانیم وارد این مقوله شویم یک نماینده فعال در قم، یک نماینده فعال در خراسان، برویم، هفته‌ای سه صفحه معارف داریم.

فرهنگ پویا هم بخش معارفان هم بخش مصاحبه‌ها در مورد سوژه‌های مختلف از این‌ها مصاحبه بگیرند.

کردیم؛ طلبه‌های جوانی که در انتخابات دنبال پول نبودند و مثل زمان جنگ از خودشان هم مایه می‌گذاشتند، به عشق حضرت آقا کار کرده بودند، چهارشنبه‌ها خودشان یک تخم‌مرغ، سیب‌زمینی و یا یک آبگوشت می‌دادند، پانزده شانزده جلسه دوستان با آن‌ها درباره نویسندگی کردند، از آن بیست سی نفر الان حداقل چهار پنج نفرشان دارند می‌نویسند.

برای آن بیست سی تا باید کلاس بگذاریم، برای این جمع مستعد باید شما برنامه ببینید.

فرهنگ پویا ما یک جمع داریم به نام کانون طلوع. یکشنبه‌ها برنامه‌ای داریم که خود دوستان یا کارشناس از بیرون می‌آید. البته از این دوستان ما می‌توانیم مقاله بگیریم مثل آقای باقرزاده که هم دست به قلم است هم بیان خوبی دارد.

نقد خیلی قشنگی زده به صحبت‌های آقای کدیور، خود آقای باقرزاده هم شجاع است و هم صاحب‌نظر یا مثل آقای فرج‌نژاد که جوان است و خیلی انرژی دارد.

پنجشنبه سرمقاله‌ای را از یک شخص مصری زدیم به عنوان یادداشت مهمان. با همان گروه ارتباط برقرار کردم، عارف صدراپی زنگ زد گفت چنین متنی را آقای اراکی فرستاده، شما می‌زنید؟ گفتم چرا نمی‌زنیم؟ متن را فرستاد و برداشتیم زدیم. شما نه فقط برای قم بلکه برای سراسر کشور و جهان می‌توانید مطلب بنویسید.

فرهنگ پویا در قم آن دفتر شما فعال است؟

برقرار است ولی فقط توزیع و فروش.

فرهنگ پویا حالا این دوستان ما خیلی سرشان شلوغ است ولی با این وجود ما یک نشست هفتگی داریم، برنامه سخنرانی داریم که اعزام می‌شوند و حداقل اگر هم فرصت نوشتن نداشته باشند و برایشان سخت باشد، می‌شود در قالب گفت‌وگو و مصاحبه مطالبی تهیه شود.

شما برای هر شماره فصل‌نامه پویا چقدر پول می‌دهید؟ بیاید جهان اندیشه‌تان را راه اندازی کنید.

فرهنگ پویا به نظر‌تان ما چقدر پول می‌دهیم؟

حاج حسن شایانفر: حداقل ... باید باشد.

فرهنگ پویا ما هم همین قدر است.

حاج آقا شایانفر: نه ولی همان را می‌گویم جهان اندیشه، یک جریان سالم، تیمی بیاید مدیریت کند و جلو برود.

فرهنگ پویا خوب است صحبت شود

افتخار ما این است که

یک نفر از کیهان هنوز

پناهنده نشده، توانسته

نفوذ بکند دفتر... دفتر...

دفتر نشر آقای ایکس

ایگرگ، این طوری موفق

بودند شما افرادی که من

در این... را اصلاً ماندم

چطور یک دفعه می‌آید

همه کاره تشکیلات وصل

می‌شود به بعضی از

اعضای دفتر ملاقات‌ها

و جلسات همان موقع

هم... هم می‌نشینند

من نمی‌خواهم بگویم

جاسوس و نفوذی هستند،

من می‌خواهم بگویم کسی

که اگر بلد نیست یک کار

را به او بدهی بدتر از

نفوذی‌ها آسیب می‌زند.



داداشم در بانک بود، گفت ۲۰۰ تومان تو می فرستی آدم رویش می شود؟! من معاون... بودم ۲۰۰ هزار تومان وام بدهم؟! گفتم این افتخار کیهان است که همکاریش این طوری هستند.

فرهنگ پویا به جایش آن طرفی ها... آقای... واقعا مشکوک است.

سخنرانی این ها را دارم در خارج، حالا آن موقع می گفتیم نماینده... است ولی بدانید بدترین کسان می روند. حالا چه جریان های جاسوسی چه شخص شناسی چه بحث عواملی که با آن ها مرتبط شدند. این که ما در خبر اشرف می زنیم، بیش از سی چهل آدم از بنیاد اشرف با داخل در ارتباط بوده و در نشریات اصلاح طلب ها هم بودند سؤال نیست می توانست شکایت کنند، عادی شده؛ هر چه بزنی آن ها بیش تر خوششان می آید چون قوه قضائیه دست آقای شاهرودی یا دست آقای آملی که نیست؛ آن قاضی آلوده شده یا فهم سیاسی ندارد، به او خوراک نمی دهند. بولتن ویژه در هفته دو هفته یک بار ماهی یکبار که این نوع احکام را برای قضات بررسی کنند، بفهمند این است.

این کسی که مشاور رئیس جمهور بوده، حسین دهباشی، بین چه تجلیلی از اشرف کرده می گوید بیاید یک مقدار منصفانه برای اشرف صحبت کنید! نقشی که در تاریخ داشته آن جنبه هایش را هم بگویید! این با سید مهدی هاشمی در نیستان بود... راهی که برای حل این امور وجود دارد از بالاست، بی سر و صداست و این ها را که ما نباید دنبال کنیم. هاله اسفندیاری را کیهان دنبال کند، صنعتی زاده را کیهان دنبال کند، عبدالرحیم جعفری اموالش را می خواهد بگیرد ما می زنیم در چرخ و چیزش نمی تواند بگیرد، میراشرافی را من بگویم چند کتاب برای او درآمده، آن ها بین خودشان را جمع کنند، بحث اختلافاتشان را که دارد دامن زده می شود افرادی را که من نمی خواهم وارد آن بحث ها شوم، فرصت سازی کردیم بیش تر، حالا یک دفعه همه، این سیل ها می خواهد به داخل بیاید الان استاندار فارس گفته حق ندارید تشیع جنازه را تا قبل از انتخابات بکنید بگذاریم بعد، این یکی را وزارت خارجه می گوید اسم این خیابان نمر را عوض نکنید بگذارید همان بوستان که بوده، سومی بگویم، این زاریا منطقی است که خون ها ریخته شده، یک خیابانی به نام زاریا... برای شورای شهر برای همه جا فرستادیم، روحیه درگیری با این و آن کم است، چون دولت و دولتمردان به این سادگی اجازه نمی دهند. حالا شما برای مصاحبه خود آن بحثی که من خدمت شما عرض کردم شروع کنید، نظر شما تامین می شود. در این بخش هم شما حداقل در کتابخانه و اسنادی که در جامعه مدرسین خوابیده می دانیم چیست، یک دفعه آمدم بازدید کردم، این ها دارد خاک می خورد. من الان زندگی شب شکنان را شروع کردم؛ زندگی شهید رجایی، شهید صدوقی، سعیدی، فردا هم مدنی و دیگران؛ این سندها بیاید من جامع تر به این زندگینامه می پردازم، به یک داستان نویس می دهم برای نسل جوان این کتابها نوشته شود.

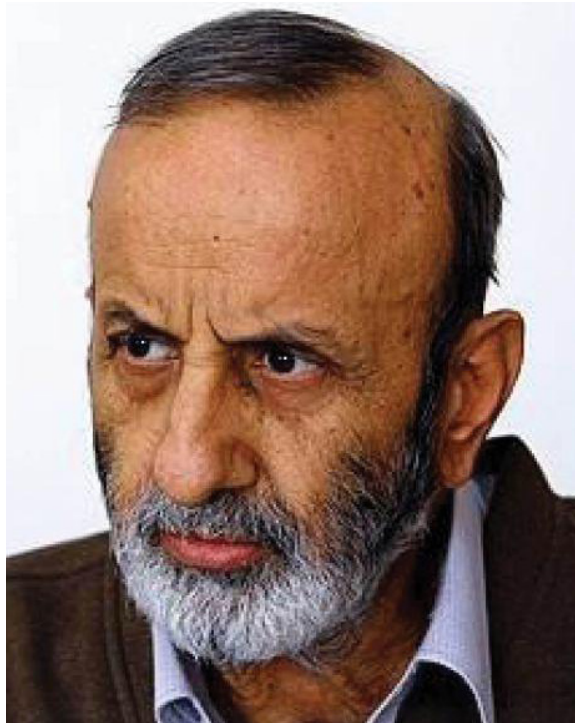
فرهنگ پویا چرا شما کنار خود کسی را پرورش نمی دهی؟

مگر این... نبود؟ استعدادش را داشت، او را براندگان رو در رو با گذشته خودش در آن مجله دارد کار می کند! این جا علیه حسین نصر بود آن جا رفتند خط این که حسین نصر بیاید درباره حلقه کیهان مثلا صحبت کند، اصلا حسین نصر خودش پدر همه فرقه هاست، از آن طرف عباس معروفی می خواهد بیاید یعنی او را در یک وادی دیگر انداختند. هنر یک عده این

یک موقع می بینی مصاحبه را می گیرد یک ویرایش می کند آماده می فرستد، حالا من انرژیم بعد از ظهرها می رود، وقتی غذا می خورم ... فرهنگ پویا خیلی هم ضعیف شدید.

بله دارد می سوزد، من مرده بودم الان کبک، کمردرد، جنسم جور است! سنگ کلیه، ویتامین دی و... .

فرهنگ پویا حاج آقا از ما مصاحبه می خواهند برعکس شد. اعتقادش را دارد می گوید، آن هایی که برای شما می نویسند وضعیتشان از نظر مالی خوب نیست، ما یک رفیق داریم... برای قرآن می نویسد، باسواد است حدود بیست سی سال پیش کتاب های عربی فقهی نوشت در جامعه المصطفی کار می کند، سال هاست برای کیهان می نویسد، به او می گویم دوستان چقدر به شما می دهند؟ می گوید من نمی دانم، وقتی که برای شما می گذارد ولی در آن حد چیزی نیست؛ آن هایی هم که دلسوز هستند برای



شما می نویسند، واقعا وضع مالی آن ها خوب نیست.

بله برای ما می نویسند ما یک حق التالیف داریم می دهیم؛ ولی همان نیرویی که این جا هم دارد هفتصد هشتصد می گیرد، یک جای دیگر می رود چهار میلیون جلوی او می گذارند می رود سکه می دهند، حالا ما باید چقدر به این محمدزاده بدهیم تا بماند؟ هر کس می آید مشکل مالی دارد، پیش او می فرستیم می گویم یک وامی به این بابا بده یک ریال هم نمی گیرد.

فرهنگ پویا من یادم است آن موقع اوائل دوره به اصطلاح اصلاحات خدمت شما بودیم، فرمودید همین آقای ایمانی خواستیم برایش وام بگیریم دویست هزار تومان... .



شما در تهران و اطرافش بگرد، سی‌تی‌سنترها یک مرکزی هست برای عرضه کالاهای غرب، آن هم وارداتی؛ بسیار تاثیرگذار در فرهنگ خانواده و جامعه، بی‌خود این برج‌ها ساخته نمی‌شود، کتابفروشی‌های تمام فروگاه‌ها، همه سی‌تی‌سنترها فروشگاه‌های اتکا فروشگاه‌های شهروند بروید ببینید، کجا نماینده انقلاب در این کتابفروشی هست؟ چون بعد از جنگ اصل را بر درآمدزایی قرار دادیم به جای کنترل مصرف و امثالهم به این‌جاها کشیده شده اقتصاد ما دارد غرق می‌شود.

خودش را بزند پسر آمد نگاهی کرد گفت با ما امشب شب چله است؟ گفتم چطور مگه؟ گفت چرا هندوانه گذاشته جلوش؟ گفتیم اتفاقاً همین را می‌خواهد بگوید، می‌خواهد بگوید چله ما امشب تمام می‌شود. قشنگ شب انتخابات پیامش را می‌دهد؛ یعنی زمستان ما تمام شد چله تمام شد!

حالا این آقا را روزنامه... یکی از حرفه‌ای‌ترین نشریات و گزارشگری آقای... پسر... که قبل از انقلاب ساواکی در ارتباط با کیهان سال ۵۸ اخراج شد رفت تو گزارش فیلم، وقتی که گزارش فیلم بسته شد، رفت تهران تایمز، بعد که روزنامه تایمز بسته شد، آمد با... بستند و رفتند همین... یک نشریه خاکستری در بیاورند، سایت آینده رفت با او مصاحبه کرد برای جریان مهدی‌هاشمی را که چرا این‌طوری است، گفت من دارم کار حرفه‌ای می‌کنم مطبوعاتی است، کیهان هم از من دعوت کند می‌روم، ولی کیهانی‌ها سفت و سخت هستند نمی‌گذارند، من دارم کار حرفه‌ای‌ام را می‌کنم. بین امروز الان از اشرف پنج تا عکس زده، هر هفته موضوع‌های مهم را یک عکس می‌زنند، از اشرف چه عکسی زده باشد؛ لباس احرام در مکه! الان دارد نشریه را درمی‌آورد. زمان احمدی نژاد هیچ روزنامه‌ای که نبود این زد گوشت کیلویی ۴۰۰۰۰ تومان. هنوز تا حالا ۴۰۰۰۰ تومان نشده ولی او آن موقع زد! آمده نشریه در می‌آورد که یک دفعه آمد تبدیل به... این نشریه شد. اصلاً سبک زندگی و اقتصاد غربی و دیپلماسی غربی را جا انداختن همه چیز در این است. این قبل از انقلاب ساواکی بوده، بعد از انقلاب هم... بوده اما... یک چیز داده ده تا چیز پیش می‌برد هر روز روزنامه... و... را جلوی روحانیون بگذارید بگویید سبک زندگی که آقا می‌گوید با انتشار این نشریه اصلاً حل می‌شود؟ آقای... سه چهار صفحه به او آگهی می‌دهد آقای شرکت... سه چهار صفحه به او می‌دهد همه جا به او آگهی می‌دهند؛ من الان دارم می‌گویم صدبار بعضی‌ها تکرار شده اراده‌ای برای حل آن نبوده، وقتی که نیست نوشتن به عنوان کتاب مجله بعداً دسترسی افراد به آن نیست، شما باید موضوعاتی را که کار می‌کنیم، تبدیل به کتاب بکنید.

فرهنگ پویا اشاره داشتید به جریان خط نفوذ در جریان فرهنگی و بحث مطبوعات و بحث موسسات گوناگون. به نظر شما با این هشدارهایی که حضرت آقا هم نسبت به بحث خط نفوذ دادند، پروژه آینده آن‌ها در رابطه با انتخابات چیست؟ یعنی باز هم بر حادثه‌سازی و موج‌سواری استوار می‌شود یا این که شیوه خود را عوض می‌کنند؟

بین! ما باید برای چه پیروزی در انتخابات آن‌ها و چه شکست باید یکسان آماده باشیم. شکست را نمی‌پذیرند، اگر شکست بخورند بازی را به هم می‌زنند. وای به حال این که دیگر پیروز شوند! ما کمبودها

است که هر کس کیهان می‌آید یا با پول یا با یک جایگاه یا امثال این‌ها می‌کشند و می‌برند. حالا هشتاد نود درصد آن‌ها توانستند خودشان را حفظ کنند، ده درصد هم ریزش دارد؛ مهم این است خارج کشور نرفتند.

فرهنگ پویا بالاخره باید یک نفر کنار این باشد و پرورش پیدا کند که خدایی نکرده اگر یک روزی حاج حسن نبود این مسیر را ادامه دهند.

خدا هست؛ این حرف امام علیه السلام است.

فرهنگ پویا این همان خط نفوذی است که دارد کار خودش را می‌کند و نمی‌گذارد جبهه حق تقویت بشود.

افتخار ما این است که یک نفر از کیهان هنوز پنهان نشده، توانسته نفوذ بکند دفتر... دفتر... دفتر نشر آقای ایکس ایگرگ، این‌طوری موفق بودند شما افرادی که من در این... را اصلاً ماندم چطور یک‌دفعه می‌آید همه کاره تشکیلات وصل می‌شود به بعضی از اعضای دفتر ملاقات‌ها و جلسات همان موقع هم... هم می‌نشینند من نمی‌خواهم بگویم جاسوس و نفوذی هستند، من می‌خواهم بگویم کسی که اگر بلد نیست یک کار را به او بدهی بدتر از نفوذی‌ها آسیب می‌زند، می‌رود ماجرای سفارت، یک فرض نمی‌گذارند، یک نفوذی امکان دارد احساسات را تحریک کند، حالا در انصار حزب الله است در نیروی انتظامی است، در هر جایی، مگر نمی‌شود وقتی که آن نیرو رفته به دو نفر بگویند یک تیر هوایی در کن در ۱۸ تیر یکی کشته شود، کشته می‌شود، آن فتنه راه می‌افتد ولی هیچ وقت روشن‌نگری نمی‌شود. این آقای... خودش خاطراتش را برای من نوشته من منتشر نکردم می‌گوید پسرش آمد یک دفتری داشتند که بیت دیگر تلاش می‌کرد آن‌ها را بگیرد، در ۱۸ تیر یک‌سال بعد گفت اون پسرش گفته بود یک کار کن پدرم روی آنتن برود، گفت دو سه موتورسوار را راه بینداز یک چندتا به این آینه‌ها، شیشه‌ها بزنند، در برونند، آمدند زدند گفتند به دفتر آیت‌الله... حمله شد! می‌گفت شب پدرم آمد به پسر... گفت دیگر حالا با ما هم ور می‌روی، در نیروی انتظامی نفوذی هست، در روحانیت هست، در سپاه هست، یک جاهایی کم‌تر یک جاهایی بیش‌تر است ما هیچ وقت نیامدیم در این صدا و سیما ریشه نفوذ را بخشکانیم، یک‌بار بسیج آمد یک لیست پنجاه شصت تا راهبان نور به من داد گفت نظرت را درباره این‌ها بده. گفتم نظرم درباره این‌ها هیچی نیست؛ گفتیم آن کسی را که انتخاب کرده کنار بیندازد اگر می‌خواهد مشکل را حل کنی! آقای... همه این سردبیرهای روزنامه‌های زنجیره‌ای آقای... از چهل چراغ می‌رود آموزش، از آموزش می‌آید شبکه چهار.

فرهنگ پویا شب انتخابات آقای روحانی ایشان برنامه‌ای داشتند در برنامه رادیو هفت شب انتخابات بود، خرداد بود یک هندوانه بزرگ جلوی خودش گذاشته بود دکور برنامه گفتیم باز هم حرف



بود، دور من را گرفتند که تو چرا این‌ها را گفتی؟ حق نداشتی این‌جا بگویی! گفتم چرا حق نداشتی این‌جا نگویم؟ دیگر کجا من بگویم؟ حاج آقا خواستند سریالی برای فتنه بسازند، به ما رسیدند که ما یک طرح‌نامه‌ای بنویسیم، طرح‌نامه نوشتیم رسید به جلسه نهایی، ما هم به‌عنوان مدافع طرح رفتیم صدا و سیما، من در جلسه گفتم چشم‌آب نمی‌خورد که از صدا و سیما چیزی علیه فتنه بیرون بیاید.

من دو ماجرا مستند نقل کنم، سر قضیه یک خانمی بود سرپرست خبرنگارهای جوان رادیو پیش ما آمد مشورت و کمک، گفتم من به آن‌جا آمیدی ندارم، گفت چرا؟ گفتم شما می‌توانی امید را در من زنده کنی، گفتم من این کتاب را می‌دهم، اگر در رادیو معرفی کنی من همه حرف‌هایم را پس می‌گیرم، هر کمکی هم از دستم بر بیاید... گفت چشم، این که کاری ندارد. گفتم فقط قبل از این که می‌خواهد پخش شود، یک زنگ به من بزن من گوش کنم. ساعت دو به بعد بود زنگ زد، گفت امروز الان می‌خواهد پخش شود، در آنوس برنامه گفت کتاب فلان فلان بعد یک دفعه این کتاب معرفی نشد! زنگ زد گفتم چی شد، گفت برق‌ها رفت! گفتم سابقه داشت؟ گفت: نه. بین من در شبکه‌های رادیو تلویزیون تست کردم، هنوز که هنوز است به این سادگی نمی‌توانم کتاب را برای معرفی بدهم، علیه آن هم حرف بزنند من خوشحال می‌شوم، چون کتاب معرفی می‌شود؛ اما نمی‌زنند، بایکوت مطلق دومی در ... شما کتاب مرحوم طالقانی را بخوانید، اسناد یاران امام یک جا پاورقی دارد، در رابطه با بهائیت می‌گوید به زودی این کتاب درباره بهائیت منتشر می‌شود، برای هفت سال پیش هر دفعه ... را می‌بینم جلوی جمع و تنها می‌گویم این «به‌زودی» کی می‌شود؟ گفت دست آقایان است! هنوز برای بهایی‌ها می‌خواهند سند منتشر کنند، دچار مشکل هستند، ماجراها از این قبیل زیاد است که بخوایم بگویم دست‌هایی از یک جاهایی، آقا وقتی می‌گوید سازمانده شده، دیگر از موضوع فردی درآمده، یعنی این که طرف دیگر همدیگر را همپوشانی می‌کنند شما... هفته را بین روی جلد بدتر از چهلچراغ، چهلچراغ محافظه کار است چون سابقه او خراب است.

فرهنگ پویا می‌فهمد دارد رعایت می‌کند؟!

بله، ولی این آمده می‌گوید تندروها، چنان می‌تازند تو ماجرای سفارت، فقط به تندروها نباید نسبت بدهی، اگر هم بدهی تازه یک بخش آن قابل جانداختن است، بالاخره این‌ها در کوتاهی‌های دولت وارد این عرصه شدند، به غلط اگر بوده باشد، ولی وقتی که شما می‌بینی سه چهارتا بچه‌های حزب‌الله می‌روند خارج پنهانده می‌شوند این‌ها نفوذی... بودند در... کجا بود؟... کجا بود؟ این یکی ماجرای آن پسر دیگر بود، یادم رفته در آمریکا است همه این‌ها در... و جریان... در خیابان‌ها بودند شما بین انتخابات که می‌شود... یا... یک مسائلی به وجود می‌آورد زبان ما را می‌بندند، پررور به... گفتم این چه نوشتی؟ سلیطه! این‌ها دنبال یک حاشیه هستند تو به معاون رئیس جمهور می‌گویی سلیطه؟ مگر آن‌ها بدترین فحش‌ها را به شما نمی‌دهند ولی با ادبیات قانون و فلان و رندی، شما هم از این چیزها یاد بگیرید.

فرهنگ پویا دست شما درد نکند، زحمت کشیدید، شرمنده شما هستیم.

و کوتاهی‌های بیست سی سال پیش خود را به‌ویژه بعد از جنگ الان باید جواب دهیم، نمی‌شود یک‌شبه این طوری شده باشند، فربه شدند، ویژه‌نامه نقش پویا را ببینید در فراماسونری و آقای نصر آقای فروغی را چطوری دارد تجلیل می‌کند.

فرهنگ پویا این نفوذ فرهنگی است. این گونه شکل‌گیری شد بعد کشیده شد به این نفوذ اقتصادی و اشرافی‌گری. این‌ها کنار همدیگر به همدیگر پیوند خوردند. از پیوند بین این‌ها یک شبکه اجتماعی طبقه متوسط این‌گونه‌ای را شکل‌دهی کردند در همه حوزه‌ها...

شما در تهران و اطرافش بگرد، سی‌تی‌سنترها یک مرکزی هست برای عرضه کالاهای غرب، آن هم وارداتی؛ بسیار تاثیرگذار در فرهنگ خانواده و جامعه، بی‌خود این برج‌ها ساخته نمی‌شود، کتابفروشی‌های تمام فرودگاه‌ها، همه سی‌تی‌سنترها فروشگاه‌های اتکا فروشگاه‌های شهروند بروید ببینید، کجا نماینده انقلاب در این کتابفروشی هست؟ چون بعد از جنگ اصل را بر درآمدزایی قرار دادیم به جای کنترل مصرف و امثالهم به این جاها کشیده شده اقتصاد ما دارد غرق می‌شود، یک‌روز سیب زمینی را خاک می‌کنند، دیشب آمده بود گندم را خاک کردند، بعدی چه می‌خواهد شود؟! بعد آن دلال‌هایی که وارد می‌کنند یک‌دفعه بازار را در دست می‌گیرند، سخنرانی ده سال پیش من نوارهایش هست، گفتم اگر یک‌روز بخوانند در این مملکت کودتا کنند، همیشه می‌روند از صدا و سیما حفاظت می‌کنند ما باید برویم صدا و سیما را اشغال کنیم، تردید ندارم تمام حکومت‌ها آخرین پایگاه را که بخوانند حفظ کنند صدا و سیما پیمان است ما اولین جاهایی که سقوط می‌کند صدا و سیما پیمان است.

فرهنگ پویا ایام فتنه (تابستان ۸۸) دفتر پژوهش‌های فرهنگی همایش سراسری داشت؛ پروفیسور مولانا، آقای مشفق و آقای روانبخش کنار هم به نوبت سخن می‌گفتند، نشستیم مطالبی از صدا و سیما گفتم به عنوان آن‌چه خودم دیدم (باید نوارش باشد) فیش‌هایی تهیه کرده بودم، گفتم: روز بعد از انتخابات صبح توی برنامه ایران آقای... که درباره حیات وحش و محیط‌زیست سخن می‌گوید که چندی پیش از دنیا رفت، آمده صبح اول انتخابات دارد این را می‌گوید: من نگران کلاغ‌های خیابان‌های تهران هستیم، چرا باید خیابان‌های تهران این قدر کلاغ داشته باشد؟ چه کسی می‌خواهد حساب این کلاغ‌ها را برسد؟!

من اصلاً خبرش را نگذاشتم این‌جا بزنند [درگذشت او را] ولی آقایان تا کمر برای این‌ها خم می‌شوند، بعد آقای محمد شجاعی از دنیا می‌رود لب تا کام چیزی مطرح نمی‌کنند.

فرهنگ پویا ساعت هشت و نیم بود. من حساس شدم شبکه دو برنامه صبحگاهی بخشی از یک فیلم خارجی را گذاشته بود وسط برنامه فردی سیاه‌پوش وارد شد به او می‌گوید: آقا چرا سیاه پوشیدی؟ می‌گوید چرا نپوشم، حق مردم را خوردند! یعنی همان ساعات اولیه که نتایج اعلام نشده بود! نمونه‌های دیگر از شبکه ۳ و ۴ هم گفتم و اتفاقاً آقای مولانا نگاه ما را تأیید کرد. پایین آمد اتفاقاً دوتا مسؤولان صدا و سیما هم در بین آن‌ها